امر به معروف و نهی از منکر برترین فریضه اسلام

علی‌اصغر پسندیده

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واجبات الهی است که استواری جان و جامعه بلکه جهان بر اساس آن است؛ زیرا آن‌گونه که از آموزه‌های قرآن، دانسته می‌شود، معروف همه حقایق برجسته و اساسی در زندگی انسان در برابر منکر است که زشت‌ترین اعمال از نظر عقل فطری و نقل وحیانی است که معصومان(ع) به عنوان انسان‌های کامل الهی، نسبت به آنها نه تنها شناخت کامل و تمامی دارند، بلکه اصولا به عنوان اسوه‌های حسنه الهی اطاعت از اوامر و نواهی ایشان همان اطاعت از حق تعالی و حقایق نشات گرفته از اوست.

بنابراین، عقل، انسان را به این اسوه‌های حسنه ارجاع می‌دهد تا نه تنها معروف و منکر را بشناسد، بلکه مطابق امر و نهی ایشان زندگی خویش را تنظیم کند.

نویسنده در این مطلب جایگاه برجسته امر به معروف و نهی از منکر در میان قوانین و فرائض شریعت و نقش و آثار آن در زندگی را تبیین کرده است.

***

حقیقت معروف و منکر و راه‌های کشف آن

معروف، هر امر و کاری است که عقلا یا نقلا نیکو باشد؛ منکر نیز هر امر و کاری است که عقلا و نقلا زشت و بد باشد؛ زیرا عُرف به چیز بلندی گفته می‌شود که از هر

از نظر قرآن، امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ارزش‌های الهی است که صاحبان «عزم‌الامور» متخلق به آن هستند.

جایی دیده و شناخته می‌شود و آن را نشانه و علامت برای دیگران قرار می‌دهند؛ مثلا «برج میلاد» یا «قله دماوند» در تهران «عرف» مردم تهران است، یا حرم حضرت معصومه(س) برای مردم قم یا بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) برای مردم مشهد حکم «عرف» را دارد و بسیاری از مردم برای قرار ملاقات یا نشان دادن موقعیت جغرافیایی به این جاها ارجاع می‌دهند که «عرف» است؛ اما اگر کسی به یک «نماد» ناشناخته در شهری ارجاع دهد، امکان پیدا کردن آن نیست و افراد سرگردان می‌شوند.

«مُنکر» از «نُکر» به معنای ناشناخته است؛ از همین رو در صرف و نحوعربی، از شناسه‌ها به عنوان «معرفه» و ناشناسه‌ها به عنوان «نکره» یاد می‌شود. اینکه فرشتگان مجسم در نزد حضرت ابراهیم(ع) و لوط(ع) نیز «قوم منکرون» تعبیر شده‌اند (ذاریات، آیه ۲۵؛ حجر، آیه ۶۲)، به دلیل همین ناشناس بودن ایشان بوده است.

خدا در قرآن از اصحاب اعراف سخن به میان آورده که مراد همان معصومان(ع) است که در مقام بلندی قرار دارند و برای همگان شناخته شده و معیار حق و باطل و معروف و منکر و به یک معنا «میزان و موازین» الهی هستند که اعمال مردمان بدانها سبک و سنگین می‌شود. (اعراف، آیات ۴۶ تا ۴۸)

البته اینکه به چیزهای نیک، معروف می‌گویند، به سبب همین برجستگی و شناختی است که مردم به آن دارند و موجب گرایش آنان به این امور برای نشانه‌گذاری یا ارجاع و مانند آنها است؛ در مقابل، چیزهای زشت و بد، منکر دانسته می‌شود؛ زیرا برای مردم ناشناخته و مجهول است و همین خود موجب‌گریزش مردم نسبت به آن می‌شود.

بنابراین، وقتی از معروف و منکر در اصطلاح قرآنی سخن به میان می‌آید، مراد امور نیک یا زشتی است که مردم از آنها گرایش و گریزش دارند.

بر اساس آموزه‌های قرآن، همه امور زندگی انسان در این دو شاکله «معروف و منکر» ساماندهی می‌شوند و عناوین دیگری چون «حق و باطل»، یا «طیب و خبث» و مانند آنها توجه بخشی به همین امور است.

«شریعت» یا همان دین و قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر جهان، اموری است که انسان را به سوی کمال بایسته و شایسته‌اش هدایت می‌کند. این دین در قالب نور الهی «هدایت تکوینی عقلی فطری»(طه، آیه ۵۰) و نور الهی «هدایت نقلی وحیانی»(بقره، آیه ۳۸) سامان یافته و انسان‌ها بدان دسترسی دارند، با این فرق که نور هدایت تکوینی در ذات همه انسان‌ها وجود دارد و به طور فطری انسان به حق و مصادیق آن از عدالت، صداقت، وفا، ایمان، شکر و مانند آنها به سبب شناخت باطنی- عقلی گرایش داشته و از اضداد آنها از باطل و مصادیقی چون ظلم، کذب، بی‌وفایی، کفر، کفران و مانند آنها گریزان است.(شمس، آیات ۷ و ۸)

از نظر قرآن، کسانی که بر اساس نور هدایت تکوینی - عقلی - باطنی - فطری به عنوان حجت باطنی الهی عمل کنند، می‌توانند از نور پاداشی هدایت وحیانی نیز بهره مند شوند که به عنوان تفضل الهی از طریق پیامبران در اختیار بشر قرار می‌گیرد. (بقره، آیات ۱ تا ۵ و ۳۸)

بنابراین، انسان‌ها می‌توانند با استفاده از دو حجت باطنی و ظاهری یا همان عقل و وحی(ملک، آیه ۱۰؛ کافی، ج ۱، ص ۱۱) حقایق هستی را بشناسند و بر اساس گرایش و گریزش‌های قلب سالم و سلیم، زندگی خویش را بر مدار شریعت تنظیم کنند و به کمال بایسته و شایسته مقدر الهی دست یابند که همان خلافت انسان است.

بر اساس گزارش‌های قرآنی، داده‌های عقل فطری و نقل وحیانی مطابق با هم هستند(روم، آیه ۳۰)، هر چند که نقل وحیانی دارای تفصیلاتی نسبت به داده‌های عقل فطری است، ولی در کلیات با هم مطابقت تمام دارند؛ بنابراین، اینکه به عنوان مثال درباره حضرت امام علی(ع) وارد شده است: «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیثما دار؛ علی با حق است و حق با علی است هر جایی که او بگردد حق می‌گردد»، امری عام نسبت به همه معصومان(ع) است که «قول و فعل» ایشان مطابق وحی و عقل است. (انفال، آیه ۱۷؛ نجم، آیات ۳ و ۴) از همین رو ایشان به عنوان «المثل الاعلی»(نحل، آیه ۶۰؛ روم، آیه ۲۷؛ جامعه کبیره) و «اسوه حسنه»(احزاب، آیه ۲۱) معرفی شده و اطاعت آنان همانند اطاعت از خدا به عنوان ولی‌الله(مائده، آیه ۵۵) و اولی الامر دارای عصمت واجب دانسته شده است.(آل‌عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء، آیه ۵۹؛ احزاب، آیه ۳۳) بر همین اساس در زیارت ماثور آل یس به صراحت بیان شده است: الحق ما رضیتموه و الباطل ما اسخطتموه و المعروف ما امرتم به و المنکر ما نهیتم عنه؛ حق هر چیزی است که شما بدان رضایت داده و باطل هر آن چیزی است که شما بر آن خشم گرفته اید؛ و معروف هر چیزی است که بدان امر کرده و منکر هر آن چیزی است که از آن نهی کرده‌اید.(مفاتیح الجنان، زیارت آل یس) بنابراین، وقتی از معروف و منکر در قرآن سخن به میان می‌آید، منظور هر امر و کار نیک یا زشتی است که شریعت الهی آن را معروف یا منکر دانسته است و عقل و وحی آن را کشف می‌کند. بر این اساس، هیچ گاه عقل در تقابل شرع نیست؛ زیرا شریعت همان دین و سنت‌ها و قوانین الهی است که با عقل فطری و نقل وحیانی کشف می‌شود.

وظایف مؤمنان در برابر فریضه امر به معروف

هر انسان خردمندی به حکم کشفیات عقل فطری، دنبال حق و مصادیق آن به ویژه کارهای پسندیده و نیکی است که موجب تعالی فردی و جمعی و شخصی و اجتماعی انسان می‌شود. در مقابل، نسبت به منکرات پرهیز دارد؛ زیرا آنها را مانع جدی بر سر راه زندگی صالح و سالم خویش می‌یابد.

از آنجا که پیامبران و اولیای معصوم(ع) در عقلانیت و علمیت در حد کمال هستند، شناخت جامع و کاملی نسبت به معروف و منکر دارند و نسبت به این امور نیز از حساسیت تمام برخوردارند؛ زیرا آنان نمادهای الهی در حقانیت هستند و نسبت به حقایق هستی چنان عمل می‌کنند که مظهر حقیقت تمام باشند. از همین رو یکی از نشانه‌های پیامبر(ص) در کتب آسمانی انجیل و تورات، امر به معروف و نهی از منکر است(اعراف، آیه ۱۵۷)؛ زیرا کسی امر به معروف و نهی از منکر دارد که خود عامل به معروف و تارک منکر باشد؛ و اگر چنین نکند، فاقد عقلانیت فطری است که جزو سفیهان و جاهلان قرار می‌گیرد و عذاب الهی نصیب ایشان می‌شود. (بقره، آیه ۴۴، صف، آیات ۱ و ۲)

از نظر قرآن، امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ارزش‌های الهی است که صاحبان «عزم الامور» متخلق به آن هستند. (لقمان، آیه ۱۷)

عالمان این وظیفه، سنگین‌تر است.(بقره، آیه ۴۴) پس هر کسی مدعی تبعیت از پیامبر(ص) است می‌بایست آمر به معروف و ناهی از منکر باشد.(اعراف، آیه ۱۵۷)

البته در امر به معروف و نهی از منکر، باید اهم و مهم کرد؛ زیرا برخی از امور اساسی‌تر و برخی دیگر از اهمیت کمتری برخوردار است؛ از همین رو در امر به معروف نسبت به اصول دین و امور اساسی چون اتحاد و وحدت و انسجام اجتماعی و حفظ حاکمیت اسلامی و اقامه نماز و زکات و جهاد و حج و اقامه عدالت باید اهتمام بیشتری وجود داشته باشد. (حج، آیات ۳۹ تا ۴۱؛ آل عمران، آیه ۲۱) براین اساس اگر در شرایطی اقامه این فریضه موجب تضعیف وحدت اجتماعی امت اسلام(طه، آیه ۹۴) و آسیب به نظام اسلامی و حاکمیت اسلام (همان؛ اعراف، آیه ۱۵۰) می‌شود، لازم نیست تا به این فریضه در موارد غیر مهم اصرار کرد.

برترین امت‌ها همان آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند که مورد ستایش خدا گرفته و ملاک برای ارزش‌گذاری و شایستگی انسان‌ها قرار داده شده است زیرا این وظیفه همگانی و همیشگی برای مرد و زن مؤمن در مقام ولایت متقابل، عامل اصلی حفظ ایمان و اعتقاد به خدا، نشانه برجسته‌ای از امت ولایی و شاهدان الهی، عامل انسجام اجتماعی و بازدارنده از تفرقه و اختلاف، دستیابی به رستگاری و مانند آنها است.

همچنین برترین امت‌ها همان آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند که مورد ستایش خدا گرفته (آل عمران، آیات ۱۱۰ و ۱۱۳ و ۱۱۴) و ملاک برای ارزش‌گذاری و شایستگی انسان‌ها قرار داده شده است(همان)؛ زیرا این وظیفه همگانی و همیشگی برای مرد و زن مؤمن در مقام ولایت متقابل(همان؛ توبه، آیه ۷۱)، عامل اصلی حفظ ایمان و اعتقاد به خدا(آل عمران، آیه ۱۱۰)، نشانه برجسته‌ای از امت ولایی و شاهدان الهی(همان)، عامل انسجام اجتماعی و بازدارنده از تفرقه و اختلاف(آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵)، دستیابی به رستگاری(همان) و مانند آنها است.

از نگاه قرآن، وظیفه و تکلیف الهی یکایک مؤمنان است تا در مقام ولایت متقابل به این فریضه عمل کنند(توبه، آیات ۷۱ و ۱۱۲)، هر چند که بر پیامبران و متقین(آل عمران، آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵)، برتری امت (آل‌عمران، آیه ۱۱۰)، برخورداری از رحمت الهی(توبه، آیه ۷۱)، رستگاری (آل عمران، آیه ۱۰۴)، پاداش و فوز عظیم الهی(توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)، امدادهای الهی(حج، آیات ۴۰ و ۴۱)، مانع شکست(آل عمران، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱)، مانع اختلاف و تفرقه(آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵)، عامل اتحاد و انسجام اجتماعی(همان)، روسپیدی در پیشگاه خدا(آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۰۷)، بهشت جاودان(همان)، خریداری خدا از جان و مال ایشان(توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)، اجر عظیم الهی(نساء، آیه ۱۱۴)، برخورداری از مقام ولایت الهی(توبه، آیه ۷۱)، نشانه عقلانیت(بقره، آیه ۴۴) و مانند آنها می‌شود.

البته این آثار زمانی خواهد بود که خود آمران و ناهیان، اهل عقل و علم و عمل باشند و بر اساس عقلانیت و علمیت نسبت به فریضه وارد شوند و خود به آنچه می‌گویند عمل کرده باشند؛ همچنین باید در این امور با ایمان و اخلاص(نساء، آیه ۱۱۴)، برای اقامه حق و حقیقت و عدالت (آل عمران، آیه ۲۱) همراه با صبر و عزم تمام و کمال در امر(لقمان، آیه ۱۷) و مانند آنها باشند.

آمران و ناهیان در هر جامعه‌ای برترین مردم آن جامعه هستند(آل عمران، آیه ۱۱۰) که با ایمان و اخلاص و به دور از هر گوه نفاق(توبه، آیه ۶۷ و ۷۱)، به شکل متحد و منسجم(آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۱۰) پای به میدان اقامه فریضه می‌گذارند و هرگز کوتاهی ندارند.

از نظر قرآن، بر اساس اهمیت موردی که امر و نهی می‌شود، گاه لازم است تا جان و مال و عرض را در راه اقامه فریضه داد و شهادت را به جان خرید؛ چنان‌که آمران به معروف و ناهیان از منکر در طول تاریخ به دست حتی همکیشان خود به شهادت رسیدند(آل عمران، آیه ۲۱)

اقامه این فریضه بدون مشکلات و سختی‌ها نیست، بلکه گاه جان و مال و عرض اقامه‌کنندگان در معرض خطر قرار می‌گیرد. لذا با توجه به اهمیت و ارزش موارد و مصادیق، باید مشکلات و سختی‌ها حتی شهادت را به جان خرید و به اقامه فریضه پرداخت.(آل عمران، آیه ۲۱؛ لقمان، آیه ۱۷)

البته از نظر قرآن، در اقامه این فریضه گاه لازم است در گوشی و به شکل نجوا انجام شود(نساء، آیه ۱۱۴) به طوری که دیگری متوجه موضوع نشود، و گاه باید فریاد زد و حتی قیام به شمشیر برای اقامه عدالت کرد که بر اساس موازین و شریعت الهی و کتاب و عقل و نقل وحیانی است.(حدید، آیه ۲۵؛ نساء، آیه ۱۳۵؛ مائده، آیه ۸؛ آل عمران، آیه ۲۱)

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است به طوری که اگر دیگری به آن اقدام کرد نیازی نیست که بقیه وارد شوند(آل عمران، آیه ۱۰۴؛ کافی، ج ۵، ص ۵۹، حدیث ۱۶)، اما این زمانی است که بقدر کفایت عمل شده باشد وگرنه بر همگان به عنوان یک وظیفه همگانی و همیشگی لازم است ورود کنند.(آل عمران، آیات ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۱۰؛ توبه، آیه ۷۱) بنابراین، در برخی از موارد بسیار مهم مثل دفاع از اصول دین و اساس حکومت ولایی لازم است تا به شکل متحد و منسجم و به شکل تشکیلاتی وارد عرصه اقامه فریضه شد و به حضور شماری محدود بسنده نکرد؛ زیرا این حضور باید به گونه‌ای باشد که تاثیرگذار باشد. پس در جامعه اگر کسی وارد میدان شد و مثلا امر و نهی کرد ولی تاثیرگذار نبود، نباید دیگران به این بهانه و عذر که واجب انجام شد و دیگر لازم به ورود و حضور دیگری نیست، تارک فریضه باشند؛ بلکه لازم است تا رسیدن به نتیجه به مقدار کفایت وارد شوند و آن را به عنوان یک وظیفه عینی و همگانی بدانند.(آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۱۰) پس کسی که در امر اقامه فریضه به شهادت رسید یا جان و عرض او در معرض خطر گرفت بداند که با خدا معامله کرده و خدا خریدار اوست.(توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)

امر به معروف همان گونه که بر فرد فرد مؤمنان واجب است، بر گروهی از امت به عنوان یک تشکیلات حکومتی واجب است تا بر ساحت اجتماع نظارت دائمی داشته و در مقام آمران و ناهیان عمل کنند.(آل عمران، آیه ۱۰۴) همچنین حاکمانی که خدا به آنان حکومت بخشیده وظیفه و تکلیف دارند تا به این امر قیام کنند. (حج، آیات ۴۰ و ۴۱)

از نگاه قرآن، گستره این فریضه از خانه و خانواده شروع می‌شود و به اجتماع بزرگ انسانی ختم می‌شود. (تحریم، آیه ۶؛ حج، آیات ۴۰ و ۴۱)

آثار و برکات اقامه فریضه

اقامه این فریضه عامل حفظ ایمان و برخورداری از خیر مطلق(آل عمران، آیه ۱۰۴)، قرارگیری در جرگه مؤمنان(توبه، آیه ۱۱۲)، صالحان(آل عمران، آیه ۱۱۴)،

توجه به علل مادی در کنار علل معنوی ضروری است. بارش باران بر اساس نظام علت و معلول الهی صورت می‌گیرد که هم عوامل مادی دارد و هم عوامل معنوی. بی‌توجهی به هر یک از این دو، درک ما را ناقص می‌کند. بنابراین، نباید نزول باران را صرفاً نتیجه ایمان و تقوا دانست و از نقش عوامل طبیعی مانند موقعیت جغرافیایی، فاصله تا دریاها و وجود کوهستان‌ها غافل شد. برای نمونه، شمال ایران به دلیل مجاورت با دریای خزر و قرار گرفتن در دامنه‌های البرز بارش بیشتری دارد، درحالی‌که مناطق جنوبی از این شرایط برخوردار نیستند. این تفاوت‌ها نشانه برتری معنوی نیست، بلکه بخشی از نظم حکیمانه عالم است. قرآن کریم در سوره حجر به این نظام اشاره می‌کند: «و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم...»[۴]

نکته ششم: تفاوت «برکت» و «فراوانی نعمت» و نقش ایمان و تقوا

در فرهنگ قرآنی، «برکت» تنها به معنای فراوانی نیست، بلکه بهره‌وری صحیح و پایدار از نعمت‌هاست. ممکن است منطقه‌ای باران فراوان داشته باشد، اما به دلیل عدم رعایت تقوا و نیز ارتکاب اسراف، دچار مشکلاتی از جمله سیل یا خشکسالی شود. قرآن کریم در سوره طه هشدار می‌دهد: «و هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت...»[۵] در مقابل، منطقه‌ای با بارش کمتر، با رعایت تقوا، صرفه‌جویی، برنامه‌ریزی درست و شکرگزاری، از برکت بیشتری برخوردار شود.

بنابراین، مسئله اصلی، کیفیت استفاده از نعمت‌ها و شکرگزاری در برابر آن است، نه صرف کمیّت آنها.

انتساب شبهه نزول باران در غرب به علامه طباطبایی

این ادعا که غربی‌ها حقوق شهروندی را به‌طور کامل رعایت می‌کنند قابل‌پذیرش نیست. جوامع غربی با وجود برخورداری از برخی قوانین مدنی پیشرفته، همچنان با چالش‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی از جمله نژادپرستی، استثمار ملت‌های ضعیف، گسترش فساد جنسی، شکاف عمیق طبقاتی، بحران خانواده و افزایش خشونت روبه‌رو هستند. افزون بر این، نظم موجود در این جوامع بیش از آنکه بر پایه اخلاق و تربیت درونی باشد، بر سازوکارهای کنترلی مانند دوربین‌های نظارتی و نظام جریمه‌ها استوار است.

شبهه: در فضای مجازی این متن پرتکرار شده که از عالمی پرسیدند:«چرا ما نماز می‌خوانیم اما باران در غرب می‌بارد؟» و او پاسخ داده است: «طبق آیه «ولو أن أهل القری...» سبب نزول باران، رعایت حقوق شهروندان است، نه حقوق الهی؛ و این حقوق در غرب بهتر رعایت می‌شود.» آیا این مطلب صحیح است؟

پاسخ: در فضای مجازی متنی دست‌به‌دست می‌شود که با طرح پرسشی شبهه‌آلود، انگیزه عبادات را زیر سؤال می‌برد: «چرا ما نماز می‌خوانیم، اما باران در غرب می‌بارد؟» این شبهه با استناد به آیه‌ای از قرآن و نسبت دادن پاسخی به یک عالم، ادعا می‌کند که نزول باران نه به عبادات، بلکه تنها به رعایت حقوق شهروندی وابسته است. اما آیا این ادعا صحیح است؟ برای یافتن پاسخ، باید این گزاره را از چند منظر مهم واکاوی کنیم.

نکته اول: بی‌اساس بودن انتساب سخن به علامه طباطبایی و تحریف مضمونی آیه قرآن

در فضای مجازی، این سخن به علامه طباطبایی (ره) نسبت داده شده؛ درحالی‌که هیچ منبع معتبری در آثار ایشان مانند تفسیر المیزان وجود ندارد که نزول باران را تنها به رعایت حقوق شهروندی و نه حقوق الهی مرتبط بداند. در حقیقت این ادعا بدون استناد به منابع معتبر نقل شده است.

نکته دوم: تعارض میان آیه ۹۶ سوره اعراف و ادعای مطرح شده در شبهه

مفاد آیه ۹۶ سوره اعراف که در شبهه به آن اشاره شده، از این قرار است: «و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم...»[۱]

این آیه به‌صراحت دو شرط «ایمان» و «تقوا» را برای گشایش برکات آسمان و زمین لازم می‌داند. تقوا نیز مفهومی جامع است که هم عبادات و حقوق الهی را در بر می‌گیرد و هم اخلاق اجتماعی و حقوق مردم را شامل می‌شود؛ بنابراین، تفکیک این دو از یکدیگر مغایر با نص صریح قرآن است.

مشکلات و بلایا برای جوامع مؤمن می‌تواند جنبه بیدارباش و آزمون داشته باشد. در روایتی از امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است: «بلا برای ستمگر، ادب و برای مؤمن، امتحان و آزمایش است.» بنابراین، کمبود باران در برخی مناطق می‌تواند زمینه‌ای برای بازگشت به خدا و اصلاح عملکرد باشد.

نکته سوم: ارزیابی دقیق‌تر از وضعیت ایمانی و فرهنگی جوامع غربی

این ادعا که غربی‌ها حقوق شهروندی را به‌طور کامل رعایت می‌کنند، قابل‌پذیرش نیست. جوامع غربی با وجود برخورداری از برخی قوانین مدنی پیشرفته، همچنان با چالش‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی ازجمله نژادپرستی، استثمار ملت‌های ضعیف، گسترش فساد جنسی، شکاف عمیق طبقاتی، بحران خانواده و افزایش خشونت روبه‌رو هستند.

افزون بر این، نظم موجود در این جوامع بیش از آنکه بر پایه اخلاق و تربیت درونی باشد، بر سازوکارهای کنترلی مانند دوربین‌های نظارتی و نظام جریمه‌ها استوار است. بنابراین، این نظم را نمی‌توان معادل تقوا و ایمان دانست که در آیه ۹۶ سوره اعراف به آن اشاره شده است.

البته باید توجه داشت که در همین جوامع نیز انسان‌های نیک‌سرشت، حقیقت‌جو و دیندار فراوانند و جمعیتی قابل توجه از آنان مسلمان هستند.

حتی بسیاری از غیرمسلمانان نیز لزوماً در شمار بدکاران قرار نمی‌گیرند، به‌ویژه آنکه گروهی از آنان هنوز به حقیقت دست نیافته‌اند و در این زمینه تقصیری متوجهشان نیست. امید می‌رود همه آنان مشمول لطف و رحمت الهی باشند.

نکته چهارم: تمایز میان رفاه و سعادتمندی

تمایز میان رفاه و سعادتمندی، موضوعی اساسی در نگاه دینی است.

در این دیدگاه، برخورداری از رفاه و امکانات مادی به‌تنهائی نشان‌دهنده رضایت الهی یا نشانه برتری معنوی انسان نیست. چه‌بسا نعمت‌های فراوان برای برخی افراد جنبه آزمایش داشته باشد و حتی می‌تواند در مواردی به «استدراج»[۲] تبدیل شود؛ یعنی غرق شدن تدریجی در نعمت‌ها تا جایی که فرد از مسیر حق دور شود. قرآن در سوره اعراف هشدار می‌دهد که تکذیب‌کنندگان آیات الهی ممکن است آرام‌آرام و از راهی که نمی‌دانند گرفتار مجازات شوند: «و آنها که آیات ما را تکذیب کردند تدریجاً از آن راه که نمی‌دانند گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.»[۳]

نکته پنجم: نقش همزمان عوامل طبیعی و معنوی در نزول باران

توجه به علل مادی در کنار علل معنوی ضروری است. بارش باران بر اساس نظام علت و معلول الهی صورت می‌گیرد که هم عوامل مادی دارد و هم عوامل معنوی. بی‌توجهی به هر یک از این دو، درک ما را ناقص می‌کند.

بنابراین، نباید نزول باران را صرفاً نتیجه ایمان و تقوا دانست و از نقش عوامل طبیعی مانند موقعیت جغرافیایی، فاصله تا دریاها و وجود کوهستان‌ها غافل شد. برای نمونه، شمال ایران به دلیل مجاورت با دریای خزر و قرار گرفتن در دامنه‌های البرز بارش بیشتری دارد، درحالی‌که مناطق جنوبی از این شرایط برخوردار نیستند. این تفاوت‌ها نشانه برتری معنوی نیست، بلکه بخشی از نظم حکیمانه عالم است. قرآن کریم در سوره حجر به این نظام اشاره می‌کند: «و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم...»[۴]

نکته ششم: تفاوت «برکت» و «فراوانی نعمت» و نقش ایمان و تقوا

در فرهنگ قرآنی، «برکت» تنها به معنای فراوانی نیست، بلکه بهره‌وری صحیح و پایدار از نعمت‌هاست. ممکن است منطقه‌ای باران فراوان داشته باشد، اما به دلیل عدم رعایت تقوا و نیز ارتکاب اسراف، دچار مشکلاتی از جمله سیل یا خشکسالی شود. قرآن کریم در سوره طه هشدار می‌دهد: «و هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت...»[۵] در مقابل، منطقه‌ای با بارش کمتر، با رعایت تقوا، صرفه‌جویی، برنامه‌ریزی درست و شکرگزاری، از برکت بیشتری برخوردار شود.

بنابراین، مسئله اصلی، کیفیت استفاده از نعمت‌ها و شکرگزاری در برابر آن است، نه صرف کمیّت آنها.

نکته هفتم: فلسفه بلایا برای مؤمنان و آزمایش الهی

مشکلات و بلایا برای جوامع مؤمن می‌تواند جنبه بیدارباش و آزمون داشته باشد. قرآن در سوره بقره می‌فرماید: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت‌ده به استقامت‌کنندگان.»[۶]

در روایتی از امیرالمؤمنین علی(ع) نیز آمده است: «إنّ البَلاءَ لِلظّالِمِ أدَبٌ وَ لِلمُؤمِنِ امتِحانٌ؛ بلا برای ستمگر، ادب و برای مؤمن، امتحان و آزمایش است.»[۷] بنابراین، کمبود باران در برخی مناطق می‌تواند زمینه‌ای برای بازگشت به خداوند و اصلاح عملکرد باشد.

نتیجه:

در تحلیل نهائی، شبهه مطرح شده از چند جهت دچار ضعف اساسی است. نخست، مستندات آن بر پایه تحریف مضمونی آیه قرآن و انتساب نادرست به علامه طباطبایی استوار است.

آیه ۹۶ سوره اعراف به‌وضوح «ایمان و تقوا» را به‌عنوان شرط اصلی نزول برکات معرفی می‌کند که مفهومی جامع شامل عبادات و حقوق اجتماعی است. بنابراین، این ادعا با ایجاد تقابل کاذب بین عبادت و حقوق شهروندی، منطق قرآنی را نادیده می‌گیرد. همچنین، تحلیل وضعیت فرهنگی و ایمانی جوامع غربی‌نیازمند دقت‌نظر بیشتر است و نباید آن را سیاه محض یا سفید محض دانست. بگذریم از اینکه بارش باران و رفاه مادی، با برکت فرق دارد و لزوماً نشانه رضایت الهی نبوده و ممکن است مصداق «استدراج» باشد. بنابراین، عبادات نقش اساسی در جلب برکات داشته و مشکلات طبیعی می‌تواند برای جوامع مؤمن جنبه آزمایش و بیدارباش داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعراف، آیه ۹۶. ۲. استدراج به این معناست که خداوند گناهکاران بی‌پروا را بتدریج به عذاب گرفتار می‌کند؛ یعنی هرچه بیشتر گناه می‌کنند، نعمت‌های بیشتری به آنها می‌دهد و آنها بدین سبب بیشتر دچار غرور و غفلت می‌شوند و درنتیجه عذاب سخت‌تری خواهند داشت: ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش، ج۷، صص۳۳ - ۳۴. ۳. اعراف، آیه ۱۸۲. ۴. حجر، آیه ۲۲. ۵. طه، آیه ۱۲۴. ۶. بقره، آیه ۱۵۵. ۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج۷۸، ص ۱۹۸.

حسین زارعی

چراغ راه

ایرانیان خوشبخت‌ترین ملت غیرعرب

قال النبی(ص): «اسعد العجم بالاسلام اهل الفارس».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: خوشبخت‌ترین ملت غیرعرب به واسطه اسلام، مردم ایرانند.[۱]

۱- کنزالعمال، متقی هندی، ج۱۲، ص۹۰

حکایت خوبان

پیش‌بینی پیامبر(ص) درباره آینده ایرانیان

امام علی(ع) در یک روز جمعه بر روی منبر خطبه می‌خواند. «اشعث ابن قیس کندی» که از سرداران معروف عرب بود، آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! این سرخ‌رویان (ایرانیان) جلوی روی تو بر ما غلبه کرده‌اند، و تو جلوی اینها را نمی‌گیری. سپس در حالی که خشم او را گرفته بود، گفت: امروز من نشان خواهم داد که عرب چه‌کاره است؟ علی(ع) فرمود: این شکم‌گنده‌ها خودشان روزها در بستر نرم استراحت می‌کنند و آنها (موالی و ایرانیان) روزهای گرم به خاطر خدا فعالیت می‌کنند، و آنگاه از من می‌خواهند که آنها را طرد کنم تا از ستمکاران باشم. قسم به خدایی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید، از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: به خدا همچنان که در ابتدا شما ایرانیان را به خاطر اسلام با شمشیر خواهید زد، بعدها ایرانیان شما را با شمشیر به خاطر اسلام خواهند زد.[۱]

۱- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص۲۸۴

پرسش و پاسخ

میزان سهم ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی- ۱

پرسش:

اقوام مختلف در ایجاد تمدن اسلامی چه نقش و سهمی داشتند و در این میان نقش و سهم ایرانیان به چه میزان بوده است؟

پاسخ:

نقش اقوام مختلف در ایجاد تمدن اسلامی

در پاسخ به این سؤال که تمدن اسلامی متعلق به چه قومی بوده و آیا اعراب بودند که این تمدن را به وجود آورده‌اند؟ باید گفت که به طور قطع کسی چنین ادعائی نکرده حتی خود اعراب که تمدن اسلامی را فقط اعراب به وجود آورده‌اند. در این تمدن اقوام زیادی اعم از آسیایی، اروپایی و آفریقایی که همه مسلمان بودند، در زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند و همه آنها در ایجاد این تمدن سهیم بوده و شرکت داشتند. اگر بخواهیم با تقسیم‌بندی‌های امروز دنیا حساب کنیم، در ایجاد این تمدن عناصر روسی(امروز جزو روسیه است، قدیم جزو ایران بود) هندی، پاکستانی، عراقی، سوری، مصری، ایرانی، حجازی، یمنی، الجزایری، مراکشی، تونسی، اسپانیایی و اندونزی و حتی شاید عناصر ترک شرکت داشتند.

میزان سهم ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی

موضوعی که در میان تمام مورخین مورد اجماع و اتفاق نظر است این است که در میان ملت‌هایی که در ایجاد تمدن اسلامی و تدوین علوم اسلامی بیشترین سهم و تاثیرگذاری را داشته‌اند، مردم ایران بوده‌اند. نقش و سهم ایرانی از مصری، الجزایری، مراکشی، تونسی، حجازی و یمنی که عرب اصیل هستند، سوری، هندی، پاکستانی، ترک، اندلس اسپانیایی و... بیشتر است. زیرا کتاب‌های علمی در طبقات علمای مختلف ثبت و ضبط شده است. طبقات مفسرین، طبقات لغویین و ادبا، طبقات فلاسفه، طبقات اطباء و ... طبقات تمام علما، تاریخ‌های مشخص، مضبوط و مکتوبی دارند، در این میان سهم و نقش ایرانیان بر غیر ایرانیان غلبه دارد.

دلایل میزان سهم و تاثیرگذاری برتر ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی

در پاسخ به این سؤال که چرا ایرانیان تاثیرگذارترین قوم در ایجاد تمدن اسلامی بودند؟ باید گفت: که مورخین و صاحب‌نظران دو دلیل عمده را در این خصوص ذکر کرده‌اند:

۱- ملت ایران، ملت باهوشی است. ملتی است که یک پیوند خاصی با علم دارد، اگر جلویش برای علم‌اندوزی باز باشد، خودش با تمام توان به سوی علم می‌شتابد. اروپایی‌ها در ترجیح ایرانیان بر سایر ملل آسیایی شکی ندارند. می‌گویند: ایرانی از نظر هوش، فهم، ذکاوت و درک بر یک آسیایی روسی، هندی، ترک و عرب برتری دارند. البته اروپایی‌ها شاید اکراه داشته باشند که بگویند: نخیر بر اروپایی‌ها هم برتری دارند.

۲- فشار حاکمان و موبدان ساسانیان بر توده مردم و محرومیت آنان از تحصیل علم باعث شد که مردم ایران در عصرهای اول اسلام به‌شدت به علم‌آموزی هجوم آورند، موبدهای ساسانی بر سر ملت باهوش و نجیب ایران، چه بدبختی‌ها و نکبت‌هایی که نی